

مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آن‌ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد، اقتضای دارد که آراء نماینده و اظهار نظرهایی که در مجلس در رابطه با مسایل مختلف و در مقام انجام وظایف نمایندگی می‌نماید فاقد وصف مجرمانه بوده و قابلیت تعقیب نداشته باشد، طبیعی است اگر قیود مندرج در اصل مزبور رعایت نشود، یعنی بیانات نماینده جنبه اظهار نظر نداشته و یا در مقام ایفای وظایف نمایندگی و در مجلس نباشد، موضوع مشمول اصل ۸۶ نبوده و حسب مورد قابلیت تعقیب را خواهد داشت.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۲۶۰۸۷

تاریخ ۱۳۸۰/۶/۶

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه شماره ۱۹۲۲-۳/۸ مورخ ۸۰/۵/۳۱ هیأت ریسه مجلس شورای اسلامی و ضمیمه آن درخصوص نامه مشترک ۱۷۰ نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در مورد نقض قانون اساسی (تصاویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید. پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

پیرو توصیه و ارجاع قبلی سریعاً در هیأت بررسی شود تا اگر

تخلفی از قانون اساسی هست (که به نظرم لااقل در بعضی موارد

هست) اعلام شود تا اقدام کنم.»

سید محمدعلی ابطحی

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۴۰۶۸

تاریخ ۱۳۸۰/۶/۲۱

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه‌ی شماره‌ی ۲۲۶۵-۸۰/م مورخ ۸۰/۶/۴ در خصوص اعلام حکم خانم حقیقت جو نماینده مجلس شورای اسلامی، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

چون از مجلس مطلبی آمده است هم باید پاسخ آن داده شود

و هم تذکری به قوه‌ی محترم قضائیه داد. بحثی بکنید و نامه‌ی

مناسب برای هر دو قوه تهیه و برای امضاء ارائه شود.»

سیدعلی خاتمی

## تذکر قانون اساسی رییس‌جمهور به قوه قضاییه

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۳۳۰۳

تاریخ ۱۳۸۰/۷/۳

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به پی‌نوشت نامه شماره ۸۰-۴۰۶۸/م مورخ ۸۰/۶/۲۱ درخصوص تهیه تذکر نامه به قوه قضاییه در ارتباط با تعقیب و محاکمه نمایندگان، متن پیوست با در نظر گرفتن جوانب امر از سوی هیأت تهیه و حضورتان ارسال می‌شود چنانچه مناسب تشخیص دادید و صلاح دانستید امضاء فرموده و دستور ارسال آن را صادر فرمایید. تصور می‌کنم در صورت ارسال این نامه به قوه قضاییه، رونوشت آن نیز می‌شود برای مجلس فرستاده شود. اگر نظرتان تهیه نامه جداگانه با مضمون دیگری برای نمایندگان است دستور فرمایید جداگانه اقدام شود.

حسن مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و رییس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

## بسمه تعالی

حضرت آیه الله شاهرودی

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

چندی است دستگاه قضایی برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به اعتبار اظهاراتی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی نموده‌اند تحت تعقیب قرار داده و برخی از آنان را محاکمه و به مجازات‌های حبس و جزای نقدی محکوم نموده است.

از جمله طبق دادنامه مورخ ۷۹/۱۲/۲۸ شعبه ۱۴۰۳ دادگاه عمومی تهران آقای حسین لقمانیان نماینده همدان به مناسبت اظهاراتش در مجلس شورای اسلامی به ۱۲ ماه حبس و یکصد هزار ریال جزای نقدی بدل از مجازات شلاق محکوم شده است.

همچنین خانم فاطمه حقیقت‌جو نماینده تهران به موجب دادنامه شماره ۲۵۱-۲۵۰ مورخ ۸۰/۵/۱۵ شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران به ۲۰ ماه و دو روز حبس تعزیری محکوم شده که قسمتی از محکومیت نامبرده مربوط به اظهاراتش در اخطار آیین‌نامه‌ای و نطق قبل از دستور در مجلس شورای اسلامی است.

اگر این نظریه مطرح، در محافل حقوقی که اظهار نظر نمایند مجلس به عنوان نماینده و در مقام وظیفه نمایندگی مردم حتی در خارج از مجلس نیز مشمول اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی است و بدین لحاظ قابل تعقیب و توقیف نمی‌باشد، پذیرفته نشود، قدر متیقن اظهارات نماینده طبعاً در مقام ایفای نقش نمایندگی در صحن مجلس و جلسات مربوطه به صراحت اصل ۸۶ قانون اساسی و ماده ۷۵ آیین‌نامه داخلی مجلس و تبصره آن قابلیت تعقیب و توقیف ندارد.

این جانب با کمال احترامی که برای استقلال قوه قضائیه و قضات محترم قائل هستم و اعتقادی که به تساوی عموم در برابر قانون و دادگاه، طبق قانون اساسی و مقررات مربوطه دارم، به حکم وظیفه‌ای که طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی بر عهده‌ام گذاشته شده

و به استناد ماده ۱۵ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی به قوه محترم قضاییه نسبت به اجرای درست قانون اساسی و عدم نقض اصول آن تذکر می‌دهم و امیدوارم تدبیر جناب عالی از نقض قانون اساسی در آن قوه جلوگیری نماید.

سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

## تبادل نامه بین رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه

بسمه تعالی

شماره ۳۴۰۲۷

تاریخ ۱۳۸۰/۷/۲۴

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه شماره ۱/۸۰/۱۴۲۶۷ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۲ رئیس محترم قوه قضائیه درخصوص مسایل مورد اشاره (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«درخور بررسی دقیق، عالمانه و بی طرفانه و کارشناسانه در

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی»

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۱/۸۰/۱۴۲۶۷

تاریخ ۱۳۸۰/۷/۲۲

جناب حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

رییس محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیات

چندی است که نامه‌های پیاپی با امضاء رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی همراہ با توشیح حضرت عالی توسط دفتر شما در رابطہ با پرونده‌های متهمین یا محکومین ارسال و سیر طبیعی خود را طی می‌نمود ولی دریافت نامه مورخ (۱۳۸۰/۷/۸) در رابطہ با پرونده‌های دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سپس پخش وسیع آن در شبکه جهانی اینترنت و رسانه‌ها مایه شگفتی گردید.

زیرا گذشته از آن که وضعیت فعلی منطقه وحدت و انسجام ملی و همدلی بیشتر مسؤولان را می‌طلبد. در ادوار مختلف چنین پرونده‌هایی در محاکم قضایی سیر طبیعی‌اش را سپری کرده است و این دو پرونده نیز چندی است که در محاکم قضایی مطرح و رسیدگی شده است.

به هر حال این جانب با این که هرگونه حرکتی را که شبه وجود اختلاف میان مسؤولان را در اذهان پدید آورد، مقرون به صواب نمی‌دانم چند نکته‌ای را تنها از باب تبیین موضوع عرض می‌نمایم:

۱- قانون اساسی در بند سوم از اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴ نظارت بر حسن اجرای قوانین را از وظایف ذاتی قوه قضاییه برشمرده و در اصل ۱۱۳ اجرای قانون اساسی را از وظایف رییس جمهور دانسته است و تفاوت میان این دو با اندک تأملی واضح و روشن می‌باشد.

«نظارت بر حسن اجرا» مربوط به موارد تخلف دستگاه‌ها از اجرای صحیح قانون و نقض آن است. و اجرای قانون اساسی، اجرا و احیا و معطل نماندن و شکل‌گیری اجرایی قوانین را می‌رساند، بر این اساس مفاد اصل ۱۱۳ که مورد استناد و فلسفه وجودی هیأت



پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی قرار گرفته، به معنای پیگیری اجرا و احیای اصول قانون اساسی است و رئیس قوه مجریه موظف است وظایف مربوط به آن را مستقیماً اجرا کند و در رابطه با دیگر قوا و نهادها مانند رهبری نظام، مجلس، قوه قضاییه شورای نگهبان و نظایر آنها باید شرایط و مقدمات لازم را جهت اجرا و احیاء آن قوانین که در اختیار او می‌باشد مهیا کرده و در صورت عدم اجرا تذکر دهد و این منافی با بند ۲ اصل ۱۵۶ نمی‌باشد زیرا مفاد این بند نظارت بر حسن اجرا و رسیدگی به تخلفات از قوانین و معنای اصل ۱۱۳، پیگیری و تذکر درباره لزوم اجرای قانون اساسی است.

۲- علاوه بر آن که در متن اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه مستقل از دیگر قوا دانسته شده است و برای رسیدگی به اعتراضات و پیگیری از تضییع حقوق مردم نهادهای نظارتی مشخص، (مانند محاکم تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، محکمه انتظامی قضات و نظایر آن) در قانون اساسی و قوانین عادی برای قضات و محاکم پیش‌بینی شده است و ایجاد و فعالیت هرگونه نهاد نظارتی دیگر، به ویژه اگر در درون قوه دیگر شکل بگیرد. با برخی از اصول قانون اساسی «مخصوصاً» اصول ۱۵۶ و ۱۶۱ مغایرت دارد.

۳- «ماده ۱۵» قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۶۵ «در مورد حق رئیس‌جمهور برای دادن اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه با توجه به اصلاح اصل ۱۱۳ قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف عبارت «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» از میان مسئولیت‌های رئیس‌جمهور و حذف «نخست‌وزیر» از تشکیلات دولت قابل استناد برای اطلاق نظارت نیست، بدیهی است هرگونه نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد «اصل ۱۱۳ اصلاحی» برای همه قوای کشور لازم‌الاتباع خواهد بود.

۴- در رابطه با موضوع مصونیت نمایندگان مجلس، هر چند که این موضوع طی جلسات مختلفی در هیأت مشترک مجلس و قوه قضاییه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و منظور نظر حضرت‌عالی هم مصونیت مطلقه نیست، قصد ورود به ماهیت این بحث را ندارم، لیکن مناسب است بر این نکته تأکید ورزم که چون قاضی براساس اصول قانون

اساسی و قوانین عادی و مبانی مسلم فقهی و حقوقی در برداشت از قانون و اعلام نظر و انشای حکم کاملاً مستقل است و هیچ‌کس، حتی رییس قوه قضاییه، حق تحمیل برداشت خود را از قانون به قاضی ندارد و تنها دادگاد صالح برتر است که از حق نقض حکم قاضی براساس موازین قانونی برخوردار می‌باشد، درخواست از رییس قوه قضاییه برای الزام قضات به در پیش گرفتن رویه و برداشتی خاص با اصول مسلم حقوقی و اصول قانون اساسی مغایر است، مگر آن‌که شورای نگهبان با تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی همه قضات را به برداشتی خاص از قانون ملزم نماید.

در پایان: امیدوارم با تدبیر و درایت جناب عالی، که همواره مورد ارادت این‌جانب بوده و هستید و خود بارها از ایجاد بحران و تنش در جامعه شکوه نمودداید. این گونه مباحث و مسایل که نیازمند بررسی‌های دقیق علمی و حقوقی می‌باشد، قبل از آن‌که به عرصه رسانه‌ها کشیده شده و ایجاد دغدغه و شبهه برای مردم نماید، در محافل کارشناسی بررسی گردیده و در جلسات سران قوا، راهکارهایی روشن برای حل و فصل آن‌ها اندیشیده شود. بدیهی است این تدبیر مخصوصاً در شرایط حساس کنونی حاکم بر منطقه ضروری‌تر می‌نماید.

سید محمود هاشمی شاهرودی

رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره ۲۴۸۸۸

تاریخ ۱۳۸۰/۷/۳۰

حضرت آیه‌الله هاشمی شاهرودی  
رییس محترم قوه قضائیه دامت افاضاته

با سلام

در رابطه با موضوع تذکر قانون اساسی از سوی رییس جمهوری، لازم می‌دانم نکاتی را متذکر گردم.

۱- قانون اساسی مبنای نظم استوار در جامعه و میثاق وحدت و چارچوب پیشرفت و امنیت کشور است و هر کدام از ما سمت، مسئولیت و حق خود را مرهون قانون اساسی هستیم که اهتمام به آن، اهتمام به امنیت و اعتلای کشور و حفظ و تقویت نظام جمهوری اسلامی ایران است.

۲- به نص قانون اساسی، رییس جمهوری بعد از مقام معظم رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و علاوه بر ریاست قوه مجریه، مسئول اجرای قانون اساسی است و از جمله بر پاسداری از قانون اساسی سوگند یاد کرده است.

۳- آنچه به نص قانون اساسی ثابت است ابهامی در آن و تردیدی نسبت به آن وجود ندارد تا نیاز به تفسیر یا همه‌پرسی داشته باشد.

۴- قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های رییس جمهوری، لازم‌الاجرا و مبنای کار رییس‌جمهور است و امیدوارم پاره‌های کاستی‌های آن نیز در آینده مرتفع گردد.

از همه مسئولان عالی‌رتبه نظام و همگان صمیمانه انتظار دارم که مرا به عنوان رییس‌جمهور در انجام همه مسئولیت‌های سنگینی که دارم یاری کنند.

سیدمحمد خاتمی

رییس جمهوری اسلامی ایران

## تحلیل حقوقی نامه رییس قوه قضاییه از سوی هیأت

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۳۳۴۴

تاریخ ۱۳۸۰/۸/۱۲

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام

عطف به پی نوشت نامه شماره ۳۴۰۲۷ مورخ ۸۰/۷/۲۴ در خصوص بررسی کارشناسانه و بی طرفانه نامه شماره ۱/۸۰/۱۴۲۶۷ مورخ ۸۰/۷/۲۲ ریاست محترم قوه قضاییه در پاسخ به تذکر قانون اساسی رییس جمهور، موضوع در هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و حسب نظر هیأت نکات زیر جهت استحضار حضرت عالی اعلام می گردد:

۱- به نص قانون اساسی در اصل یکصد و سیزدهم، رییس جمهور پس از مقام رهبری، عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود به عهده دارد. به نص این اصل، رییس جمهور علاوه بر ریاست قوه مجریه که در این شأن در عرض رؤسای قوای دیگر است و فوق اصل ۶۰، اعمال قوه مجریه، جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود از طریق او و وزراء انجام می گیرد و طبق اصل ۱۳۴، ریاست هیأت وزیران را به عهده داشته و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم های وزیران و هیأت دولت می پردازد و برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می کند، دو شأن دیگر نیز دارد که عبارتند از:

عالی ترین مقام رسمی کشور بودن بعد از رهبری و برعهده داشتن مسئولیت

اجرای قانون اساسی

از مظاهر شأن عالی ترین مقام رسمی کشور بعد از رهبری، این است که مصوبات

مجلس و نتیجه همه‌پرسی، طبق اصل ۱۲۲ پس از طی مراحل قانونی، باید به امضای او برسد تا وارد مرحله اجرایی شود، امضای معاهدات دولت ایران با سایر دولت‌ها و امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی، طبق اصل ۱۲۵ با رییس‌جمهور است و در واقع تبلور حاکمیت نظام در عرصه بین‌المللی، رییس‌جمهور است.

تعیین سفرا و امضاء استوارنامه آنان و پذیرش استوارنامه سفیران خارجی طبق اصل ۱۲۸ با رییس‌جمهور است. درخواست مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی از سوی رییس‌جمهور می‌تواند صورت گیرد (نه رؤسای سایر قوا) و در زمان نبودن رییس‌جمهور، طبق اصل ۱۳۲ نمی‌توان برای همه‌پرسی یا تجدیدنظر در قانون اساسی اقدام کرد. در همین شأن است که ریاست شورای عالی امنیت ملی که از رؤسای قوای سه‌گانه و جمعی دیگر از مسؤولان تشکیل می‌شود طبق اصل ۱۷۶ با رییس‌جمهور است و ریاست شوراهای فرعی چون شورای دفاع و شورای امنیت کشور نیز با او یا فردی از اعضای شورای عالی است که توسط وی تعیین می‌شود.

مسئولیت اجرای قانون اساسی نیز در عرض دو شأن دیگر برای رییس‌جمهور شناخته شده که جدای از شأن ریاست قوه مجریه، باید این مسئولیت را ایفا نماید و طبعاً انجام این مسئولیت در حد مقدرات ناظر به همه دستگاه‌های نظام است و اصل تفکیک قوا و استقلال قوای حاکم مانع از این نیست که رییس‌جمهور اقدامات لازم را برای اجرای اصول قانون اساسی و جلوگیری از توقف و نقض آن‌ها در هر یک از قوای سه‌گانه بنماید، و این تلقی از قانون اساسی به صراحت در نظریه شورای نگهبان هم که ضمن نامه شماره ۴۲۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱ خطاب به رییس‌جمهور وقت ارسال شده آمده است که «رییس‌جمهور... می‌تواند از مقامات مسؤول اجرایی و قضایی و نظامی توضیحات رسمی بخواهد و مقامات مذکور موظفند توضیحات لازم را در اختیار ریاست جمهوری بگذارند، بدیهی است رییس‌جمهور موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد، اقدامات لازم را معمول دارد...»

۲- وظیفه‌ای که طبق بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی در خصوص نظارت بر حسن اجرای قوانین به عهده قوه قضاییه گذاشته شده، با توجه به استفاده از کلمه جمع و نحوه عمل دستگاه قضایی که پیاده کردن قوانین و انطباق موارد و موضوعات با آنهاست عمدتاً ناظر به قوانین عادی است و استناد به قانون اساسی از سوی دستگاه قضایی علی‌الاصول در حد پشتوانه فهم قانون عادی یا تفسیر قضایی قاضی از قانون عادی یا برای استخراج روح قانون یا به عنوان اصول حقوقی و دکترین در مقام نبودن یا اجمال و ابهام قانون عادی موضوعه صورت می‌گیرد، ساز و کار انجام این وظیفه نیز در رابطه با نظارت بر حسن اجرای قانون در محاکم طبق اصل ۱۶۱ توسط دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد و درخصوص حسن اجرای قوانین در دستگاه‌های اداری نیز طبق اصول ۱۷۳ و ۱۷۴ به وسیله سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری اعمال می‌شود و به هر صورت انجام این وظیفه از سوی قوه قضاییه حتی به عنوان وظیفه ذاتی آن قوه منافاتی با مسئولیت کلی رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی و توجه دادن دستگاه‌های مختلف به خودداری از نقض آن ندارد، اتفاقاً این شبیه در سال‌های اولیه اجرای قانون اساسی برای شورای عالی قضایی وقت که مدیریت دستگاه قضایی را به عهده داشت پیش آمده بود و لذا در پی اخطار قانون اساسی رئیس‌جمهور وقت به شورای مزبور در سال ۱۳۵۹ مبنی بر رعایت قانون اساسی و خودداری از انجام اعمالی که مغایر اصول قانونی است، طی نامه شماره ۸۲۵۵/ش مورخ ۵۹/۹/۱۲ به شورای نگهبان به عنوان مفسر قانون اساسی اعلام کرد: «... در نامه‌ای که از رئیس‌جمهور به شورای عالی قضایی رسیده با استناد به اصل ۱۱۳ قانون اساسی وظیفه خویش دانسته که در اعمال قوه قضاییه نظارت داشته باشد و نسبت به بعضی از کارهای انجام شده به شورای عالی قضایی اخطار نموده‌اند. در صورتی که طبق اصل یکصد و پنجاه و ششم نظارت بر حسن اجرای قوانین با قوه قضاییه است نه ریاست جمهوری، خواهشمند است شورای محترم، نظر خود را در این زمینه و اصولاً مفاد اصل ۱۱۳ و محدوده اختیارات ریاست‌جمهور ابراز کند.»

شورای نگهبان در پاسخ شورای عالی قضایی که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۸ ارسال شد،

صریحاً اعلام داشت: «رییس جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اخطار و تذکر را دارد و منافاتی با بند ۳ اصل ۱۵۶ ندارد» بنابراین طبق نظر صریح تفسیری شورای نگهبان که همچنان به قوت خود باقی است در عین حال که قوه قضاییه وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین را به عهده دارد و ساز و کار آن به شرحی که قبلاً ذکر شد در اصول ۱۶۱ و ۱۷۳ و ۱۷۴ آمده است. رییس جمهور، طبق اصل ۱۱۳ عهده‌دار مسؤلیت اجرای قانون اساسی است و در مقام ایفای این مسؤلیت می‌تواند نسبت به عدم اجرا یا نقض اصول قانون اساسی به قوای دیگر تذکر و اخطار دهد.

۳- وقتی اصل یا اصولی از قانون اساسی در هر یک از دستگاه‌ها نقض شود و بر خلاف آن اقداماتی صورت گیرد در واقع قانون اساسی در آن قسمت اجرا نشده و رییس‌جمهور که به تعبیر ریاست محترم قوه قضاییه (در بند ۱ نامه) موظف به پیگیری اجرا و احیای اصول قانون اساسی است طبعاً باید اقدام لازم را برای اجرای آن اصل بنماید و از جمله این اقدامات تذکر و اخطار به دستگاه مربوطه به خودداری از نقض و عمل بر وفق مفاد قانون اساسی خواهد بود، تفکیک بین اجرا و احیا و معطل ماندن از یک سو و نقض قانون اساسی از سوی دیگر عملاً معنا ندارد. اگر فرضاً روند و جریان امر بدین صورت باشد که مثلاً برخلاف اصل ۷۹ از سوی دولت حکومت نظامی اعلام شود یا برخلاف اصل ۸۱ به خارجیان امتیاز تشکیل شرکت داده شود یا برخلاف اصل ۳۰ از دانش‌آموزان مدارس شهری گرفته شود و یا برخلاف اصل ۳۲ افراد بدون حکم و ترتیبی که قانون معین کرده دستگیر و بازداشت گردند و یا برخلاف اصل ۳۵ در محاکم از اصحاب دعوی وکیل پذیرفته نشود و یا برخلاف اصل ۳۸، متهمین برای اقرار شکنجه شوند. آیا می‌توان گفت اصول مزبور اجرا شده‌اند؟ یا وقتی روند بدین گونه باشد که برخلاف این اصول رفتار شود ضمن این‌که از این اصول تخلف شده و یا نقض شده‌اند، می‌توان گفت این اصول اجرا نشده و یا معطل مانده‌اند و رییس‌جمهور که مسؤل اجرای قانون اساسی است باید در جهت به اجرا درآمدن آن اصول که لازمه‌اش توقف، نقض و تخلف است اقدام لازم را به عمل آورد اتفاقاً دو سه مورد نظر مکتوبی که از شورای نگهبان در خصوص وظیفه رییس‌جمهور در اجرای قانون اساسی در دست است مربوط

به نقض قانون اساسی از سوی دستکادهای قضایی و قانون‌گذاری است. یک مورد آن مربوط است به اخطار رییس‌جمهور وقت در سال ۱۳۵۹ به شورای عالی قضایی که نسبت به نقض قانون اساسی و انجام اعمال مغایر با اصول قانون اساسی اخطار داده بود و شورای نگهبان این امر را از وظایف رییس‌جمهور و منطبق با اصل ۱۱۳ دانست که قبلاً شرح آن آمد. در سال ۱۳۶۲ نیز در پی تصویب لایحه تعزیرات و توجه نکردن مجلس به ایراد شکلی شورای نگهبان در مغایرت آن با قانون اساسی و به اجرا درآمدن آن مصوبه، شورای نگهبان طی نامه‌ای خطاب به رییس مجلس، مصوبه را غیرقانونی اعلام کرد و عمل مجلس و امضاء و اجرای مصوبه را موجب نقض اصول متعدد قانون اساسی دانست و رونوشت نامه خود را جهت اقدام لازم برای رییس‌جمهور وقت ارسال کرد و در واقع از رییس‌جمهور خواست به لحاظ مسوولیتی که نسبت به اجرای قانون اساسی دارد از اجرای این مصوبه که موجب نقض قانون اساسی است جلوگیری کند. در همان زمان شورای نگهبان طی نامه دیگری که در این زمینه خطاب به رییس‌جمهور نوشت با این عبارت از رییس‌جمهور خواست مانع اجرای این قانون شود: «خواهشمند است از دستور مؤکد منع اجرای این لایحه، شورای نگهبان را مطلع فرمایید.» بر همین اساس و با همین تلقی، رییس‌جمهور وقت طی نامه مورخ ۱۳۶۲/۹/۴ خطاب به شورای عالی قضایی وقت مرقوم داشتند: «۱- دستور فرمایند تا اطلاع بعدی از اجرای لایحه قانونی یاد شده خودداری شود...»

این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که از نظر شورای نگهبان مسوولیت رییس‌جمهور طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی به اجرای قانون اساسی هم شامل اقدام برای به جریان انداختن اصول قانون اساسی و هم شامل مواردی که اصلی از قانون اساسی نقض شده و بدین لحاظ اجرا نشده می‌گردد. بنابراین تفکیک بین عدم اجرا و نقض و منحصر کردن مسوولیت رییس‌جمهور در شق اول، امری است که هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ رویه پذیرفته شده و عمل شده از سوی شورای نگهبان نمی‌تواند قابل قبول باشد.

۴- در اصل ۱۱۳ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» نیز



به عهده رئیس‌جمهور بود که در اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی این وظیفه از رئیس‌جمهور برداشته شد و تحت عنوان: «حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه» در بند ۷ اصل ۱۱۰ جزء وظایف و اختیارات رهبری درآمد ولی عنوان: مسؤولیت اجرای قانون اساسی برای رئیس‌جمهور همچنان باقی ماند و هیچ دلیلی وجود ندارد که مسؤولیت اجرای قانون اساسی معلق و موکول به وظیفه تنظیم روابط قوای سه‌گانه بوده، که با حذف آن از خاصیت و اعتبار افتاده باشد، اگر چنین بود می‌بایست با حذف «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» در اصلاحیه سال ۱۳۶۸ «عنوان مسؤولیت اجرای قانون اساسی» نیز حذف می‌شد و اگر فرضاً منظور قانون‌گذار این بود که با حذف «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» از این پس، رئیس‌جمهور فقط مسؤول اجرای قانون اساسی در حوزه قوه مجریه است نه قوای دیگر، می‌بایست این امر تصریح می‌شد و به‌علاوه اگر منظور این معنی باشد، پس مسؤول اجرای قانون اساسی در قوه قضاییه و قوه مقننه چه کسی است؟ و اگر ذکر آن لزومی ندارد چه لزومی دارد که فقط برای رئیس‌جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه مسؤولیت اجرای قانون اساسی در حوزه اجرایی خودش ذکر شود؟ فرض لغو و عبث نبودن کار قانون‌گذار ایجاب می‌کند همان‌طور که قبلاً ذکر شد، مسؤولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی را بدون وابستگی به وظیفه «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» برای رئیس‌جمهور به عنوان رئیس‌جمهور نه صرفاً رئیس قوه مجریه ناظر به همه قوا و دستگاه‌های حکومتی بدانیم، البته اگر وظیفه تنظیم روابط قوای سه‌گانه نیز به عهده رئیس‌جمهور بود شاید بهتر می‌توانست مسؤولیت اجرای قانون اساسی را نیز اعمال نماید و به همین جهت در مکاتبات رؤسای جمهور وقت و شورای نگهبان در مورد اخطار و تذکر رئیس‌جمهور به این وظیفه نیز اشاره و استناد شده است ولی نه در قانون اساسی و نه در نظریات ابرازی از سوی شورای نگهبان اتکا و معلق بودن مسؤولیت اجرای قانون اساسی بر وظیفه تنظیم روابط قوای سه‌گانه ذکر نشده تا با حذف آن، این مسؤولیت نیز از بین برود یا تخصیص بخورد و لذا در قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی نیز، فصل دوم به عنوان: «مسؤولیت‌های رئیس‌جمهور در اجرای

قانون اساسی» بدون ذکر وظیفه تنظیم روابط قوای سه گانه اختصاص یافته و چهار ماده از مواد ۱۲ تا ۱۶ به ساز و کارهای اجرای این مسؤولیت پرداخته است.

۵- در ارتباط با اصل ۸۶ قانون اساسی و قابل تعقیب و توقیف نبودن نمایندگان به لحاظ اظهارنظر در مقام ایفای وظایف نمایندگی در مجلس. هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در پی ارجاع جناب عالی، نظر مشورتی خود را طی نامه شماره ۸۰-۳۱۹۳ مورخ ۸۰/۴/۲۵ اعلام داشته است، چنان که ملاحظه فرمودید در آن نظریه به این موضوع توجه شده که تدوین کنندگان قانون اساسی از یک سو عنایت خاصی به تأمین آزادی و احساس امنیت خاطر نمایندگان مردم برای بیان نظرات خود در عموم امور مربوط به کشور و تهدید و تحدید نشدن این آزادی داشتند و در این رابطه حتی مسأله مصونیت نمایندگان از تعقیب و توقیف در رابطه با اتهام ارتکاب جرایم مختلف را نیز مورد بحث قرار دادند و از سوی دیگر با توجه به عنایتی که در اصول دیگر قانون اساسی به تساوی عموم در برابر قانون و دادگاه ابراز شده و برداشتی که از مبانی فقهی در خصوص نظام قضایی اسلام داشتند نمی توانستند مصونیت مطلق نمایندگان را در رابطه با جرایم ارتكابی بپذیرند و آن را تصویب نکردند ولی سرانجام با بحث‌های فراوانی که به عمل آوردند و طبعاً با در نظر گرفتن جهات و مصالح لازم اصل ۸۶ را به صورت فعلی تصویب کردند که مقرر می‌دارد: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آن‌ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.»

این اصل از یک سو به نماینده آزادی کامل در اظهارنظر در مقام ایفای وظیفه نمایندگی داده و از سوی دیگر او را مصون از تعقیب و توقیف به لحاظ این نوع اظهارنظر دانسته است. لازمه این بیان، این است که اگر نماینده در مقام اظهارنظر در مجلس در راستای انجام وظیفه نمایندگی به گونه‌ای سخن بگوید و نظرش را اظهار نماید که منطبق با یکی از عناوین مجرمانه قانونی باشد نمی‌توان او را تعقیب و توقیف کرد. اگر از این معنی ظاهر و بلکه صریح این اصل دست برداریم و تفسیرهای دیگری بکنیم، این عبارات

قانونی لغو و بی‌معنا خواهد بود. زیرا اظهار نظر هر فرد اگر مشمول عنوان مجرمانه نباشد آزاد است و نمی‌توان کسی را به خاطر اظهار نظر تعقیب و توقیف کرد تصریح این امر در قانون اساسی برای نماینده جز این که بگوییم اظهارات وی در مجلس با قیودی که در اصل ۸۶ ذکر شده فاقد وصف مجرمانه است، اصل قانون اساسی را لغو و بی‌معنی خواهد کرد. حال اگر این اطلاق قانون اساسی خلاف شرع است، این وظیفه فقهای شورای نگهبان است که طبق ذیل اصل ۴ قانون اساسی تشخیص خود را نسبت به خلاف شرع بودن اطلاق یا عموم این اصل اعلام دارند و هیچ مقام دیگری نمی‌تواند برخلاف صریح این اصل به عنوان استنباط خلاف شرع بودن آن اقدامی بنماید، حتی قاضی هم که طبق اصل ۷۳ قانون اساسی مجاز به تفسیر قضایی قوانین عادی در مقام تمیز حق می‌باشد، نمی‌تواند به لحاظ خلاف شرع دانستن قانون حتی قانون عادی چه رسد به قانون اساسی برخلاف صراحت قانون تصمیم بگیرد و از عمل به آن خودداری نماید، قاضی طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی فقط می‌تواند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی هستند خودداری کند. اگر چنین اجازدهای به قضات داده شود ممکن است بعضی از قضات اطلاق اصل ۳۸ قانون اساسی را نیز که هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع را ممنوع می‌داند خلاف شرع بدانند، همان‌گونه که در هنگام طرح این اصل در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی برخی از نمایندگان این ایراد را وارد کرده و گفته‌اند در برخی از موارد اگر نتوان متوسل به شکنجه شد و از متهم کسب اطلاع کرد ممکن است جنایتی رخ دهد و حتی جمعی کشته شوند در صورتی که با اعمال فشار و شکنجه می‌توان اقرار و اطلاع گرفت و مانع بروز جنایت دیگری شد و لذا خواستار محدود کردن ممنوعیت شکنجه بودند ولی اکثریت نمایندگان این استدلال را نپذیرفته و با در نظر گرفتن این مصلحت مهم که باز کردن راه شکنجه ولو در موارد محدود به نتایج غیرقابل پیش‌بینی منتهی می‌شود و حتی پرداختن بهای سنگینی در برخی موارد ارزش این را دارد که باب شکنجه را باز نکنیم، این اصل را به همین اطلاق و عموماً تصویب کردند. به هر حال در رابطه با اصل ۸۶ قانون اساسی نیز با بحث‌های متعددی که در مجلس خبرگان قانون اساسی صورت گرفت سرانجام به این نتیجه

رسیدند که برای نماینده مجلس در اظهار نظر در مقام انجام وظیفه نمایندگی آزادی کامل قائل شوند و آن را فاقد وصف مجرمانه و غیر قابل تعقیب و توقیف بدانند.

تاکنون اطلاعی از تصمیم و اظهار نظر فقهای شورای نگهبان برخلاف شرع بودن اطلاق این اصل به دست نیامده است بلکه شورای نگهبان ماده ۷۵ آیین‌نامه داخلی مجلس و تبصره آن را که تحت عنوان مصونیت نمایندگان با تکرار مفاد اصل ۸۶ و اندکی تبیین و توضیح از تصویب مجلس گذشته است تأیید نموده و آن را مخالف شرع اعلام نکرده است.

۶- تردیدی نیست که در قانون اساسی بر استقلال قوه قضاییه تأکید شده و این استقلال باید محترم شمرده شود و نیز براساس اصول قانون اساسی و قوانین عادی و مبانی مسلم فقهی و حقوقی قاضی در رسیدگی و اظهار نظر و اصدار حکم کاملاً مستقل است ولی لازم است به این نکات نیز توجه داشت که استقلال قوه قضاییه و اصولاً استقلال قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران که در اصل ۵۷ نیز بدان تصریح شده استقلال مطلق نیست که هیچ نوع تعامل و وابستگی بین این سه قوه وجود نداشته باشد بلکه باید به نوعی استقلال نسبی قائل بود و لذا است که با وجود استقلال قوا رسمیت و اجرایی شدن قانون مصوب مجلس با امضاء رئیس‌جمهور (طبق اصل ۱۲۳) تحقق پیدا می‌کند و مسؤلیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور به طور کلی طبق اصل ۱۲۶ بر عهده رئیس‌جمهور است و بودجه قوه قضاییه نیز باید با تنظیم قوه مجریه به مجلس برود و بعد از آن هم اعتبارات مصوب از سوی برنامه و بودجه تخصیص یابد. طبق اصل ۹۰، مجلس می‌تواند و بلکه موظف است به شکایات مربوط به طرز کار قوه قضاییه و مجریه رسیدگی کند و از آن‌ها توضیح بخواهد و نتیجه را جهت اطلاع عموم منتشر نماید.

بنابراین توضیح خواستن و یا اخطار و تذکر رئیس‌جمهور به قوه قضاییه برای اجرای قانون اساسی که با شأنی ورای ریاست قوه مجریه، این وظیفه را انجام می‌دهد، منافاتی با استقلال قوه قضاییه آن گونه که مورد نظر قانون اساسی است ندارد.

اما در مورد استقلال قاضی باید خاطر نشان کرد که استقلال قاضی بدین معنی است

که قاضی فارغ از هر نوع تطمیع و تهدید و اعمال نفوذ و تحمیل نظریه بتواند در چارچوب قانون و در محدوده صلاحیت خود آزادانه نسبت به بررسی و تحقیق و تشخیص موضوع و تطبیق قانون بر آن و اصدار حکم بپردازد، استقلال قاضی بدین معنی مهمترین عامل تضمین احقاق حقوق مردم و تأمین عدالت در جامعه است ولی طبیعتاً استقلال قاضی بدین معنی نیست که وی بتواند بی توجه به قوانین موضوعه و خارج از محدوده صلاحیت خود تصمیم‌گیری نماید و هیچ مرجعی حق نداشته باشد از او سؤال کند و او را به اقدام در محدوده قانون رهنمایی نماید. چنان که می‌دانیم طبق اصل ۱۶۶ احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به قوانین باشد و طبق اصل ۱۶۷ قاضی موظف است در درجه اول حکم دعوا را در قوانین مدونه بیاید و براساس تبصره ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی قاضی حتی اگر مجتهد باشد و قانون مدونی را برخلاف شرع بداند نمی‌تواند برخلاف قانون حکم بدهد و صرفاً پرونده به دادگاه دیگری ارجاع می‌شود و براساس اصل ۱۷۱ قانون اساسی اگر در اثر اشتباه یا تقصیر قاضی در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاصی، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، ضامن است. و در این راستا دادگاه انتظامی قضات به تخلفات قاضی رسیدگی می‌کند و از جمله تخلفات، حکم دادن برخلاف قوانین موضوعه کشوری است که اگر جایی برای حمل بر نظر قضایی نباشد، تخلف محسوب و مجازات انتظامی برای قاضی در نظر گرفته می‌شود و در صورتی که در اثر این تخلف کسی متحمل ضرر مادی یا معنوی شده باشد می‌تواند از قاضی مطالبه خسارت نماید و هیچ مبنای فقهی و حقوقی، این امر را مغایر استقلال قاضی نمی‌داند.

با این وصف تذکر قانون اساسی رییس‌جمهور به مدیریت قوه قضاییه به هیچ وجه به معنای تحمیل نظر خاصی بر قاضی و لطمه زدن به استقلال قضایی او نیست مدیریت قوه قضاییه می‌تواند تذکر را به قضات یا قاضی مربوطه منتقل نماید و از آنها بخواهد برخلاف صراحت قانون تصمیمی نگیرند یا پرونده را به دادرسی انتظامی قضات ارجاع دهد که رسیدگی کنند و اگر تصمیم اتخاذ شده را خلاف قانون تشخیص دادند تصمیم مقتضی اتخاذ کنند و حتی با توجه به ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه

مصوب سال ۱۳۷۸ و تبصره ۱ ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و تبصره یک ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی در امور مدنی رییس محترم قوه قضاییه می‌تواند درخواست نقض حکم صادره برخلاف قانون را بنماید.

۷- قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۶۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده و به مرحله اجرا گذاشته شده است در فصل دوم تحت عنوان: «مسؤولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی» طی ۴ ماده از مواد ۱۳ تا ۱۶ به چگونگی اجرای این مسؤولیت پرداخته است در ماده ۱۳ به رییس‌جمهور این اختیار و وظیفه داده شده است که از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم، اجرای قانون اساسی را تأمین کند، از جمله مصادیق اقدامات لازم تذکر و اخطار به قوای سه‌گانه است که در ماده ۱۵ به آن تصریح شده است در هیچ یک از مواد مزبور، مسأله اجرای قانون اساسی و اقدامات رییس‌جمهور موکول و مبتنی بر وظیفه تنظیم روابط قوای سه‌گانه نشده است، که با حذف این وظیفه در اصلاحیه قانون اساسی، مواد مزبور نیز فاقد اعتبار گردد.

البته برخی از مواد قانون فوق‌الذکر با توجه به اصلاحیه قانون اساسی و لزوم اصلاح و تغییر آن‌ها با وضع مقرراتی که بعداً از سوی مجلس شورای اسلامی وضع شده نسخ شده‌اند ولی برخی از مواد دیگر و از جمله این چهار ماده جز در آن قسمت از ذیل ماده ۱۴ که مربوط به نخست‌وزیر می‌شود و با حذف نخست‌وزیری موضوعیت ندارد نه صریحاً نسخ شده و نه قانونی مغایر با آن وضع شده است که منسوخ ضمنی تلقی گردد و استحضار دارید که با استنباط شخصی علت و حکمت حکم قانون و حدس و گمان، نمی‌توان قانونی را منسوخ، اعلام و از عمل به آن صرف‌نظر نمود، اتفاقاً در بند ۱ نامه ریاست محترم قوه قضاییه نیز به نوعی تذکر رییس‌جمهور به دستگاه‌های دیگر به رسمیت شناخته شده است.

۸- رییس‌جمهور طبق اصل ۱۲۴ قانون اساسی می‌تواند برای انجام وظایف قانونی

خود معاونتانی داشته باشد و طبق مواد ۱۷ و ۱۸ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری به منظور اداره امور وظایف رئیس‌جمهور در قانون اساسی نهاد ریاست جمهوری تشکیل می‌شود که سازمان و تشکیلات و امور اداری آن با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی و تأیید رئیس‌جمهور تعیین می‌گردد، با این وصف رئیس‌جمهور اگر مصلحت بداند و لازم تشخیص دهد می‌تواند طبق اصل ۱۲۴ در رابطه با وظیفه مسؤولیت اجرای قانون اساسی که در قانون اساسی و قانون عادی فوق‌الذکر به عهده او گذاشته شده حتی معاونی منصوب نماید و معاونتی ایجاد کند ولی رئیس‌جمهور، برای انجام این وظیفه قانونی که از جمله بازرسی، نظارت، اخذ توضیح و کسب اطلاع می‌باشد صرفاً از چند نفر دعوت کرده است که تحت عنوان هیأت یا کمیسیون جلساتی تشکیل دهند مسایل و موضوعات را بررسی کنند و به او نظر مشورتی بدهند، آیا تشکیل این نوع هیأت و یا کمیسیون که صدها نظیر آن در رابطه با موضوعات مختلف در دستگاه‌های قوای سه‌گانه تشکیل می‌شود، ایجاد یک نهاد نظارتی خلاف قانون اساسی محسوب می‌شود؟ عمده مکاتبات این هیأت که حاصل شور و نظرخواهی اعضا در جلسات متشکله و احیاناً جلسات فرعی دیگر از برخی صاحب‌نظران و کارشناسان است با ریاست جمهوری و اعلام نظر حقوقی به ایشان و یا انعکاس مطالب و تظلمات اعلام شده به رئیس‌جمهور و یا به عنوان اعضا هیأت به دستگاه‌های مربوطه است که خواسته شده طبق ماده ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری توضیحات خود را به ریاست جمهوری بدهند تا رئیس‌جمهور تصمیم لازم در اجرای وظیفه قانونی خود بگیرد. عنوان هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی از ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر گرفته شده که رئیس‌جمهور را موظف نموده با پیگیری، نظارت، بازرسی و بررسی، تمهیدات لازم را برای اجرای قانون اساسی بگیرد، طبعاً وقتی رئیس‌جمهور، چنین وظایفی را باید انجام دهد و در اجرای ماده ۱۶ همان قانون بخواهد سالی یک بار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را تنظیم و به مجلس شورای اسلامی تسلیم نماید، باید حداقل ساز و کار و مشاورینی که در تهیه و تنظیم این امور و دادن نظر مشورتی به او اقدام نمایند را

در اختیار داشته باشد همچنان که رییس مجلس که طبق ذیل اصل ۱۲۸ قانون اساسی مسؤول بررسی تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت از لحاظ عدم مغایرت آن‌ها با قوانین است، هیأتی را برای این امر به نام «هیأت تطبیق مصوبات دولت با قوانین»، تشکیل داده و از نظر کارشناسان استفاده می‌کند و یا با این‌که نهادهایی چون سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری زیر نظر قوه قضاییه و طبق قانون اساسی و قوانین عادی تشکیل شده و فعالیت می‌کنند، دفتر پیگیری و نظارت در حوزه ریاست قوه قضاییه نیز وجود دارد و فعالیت می‌نماید.

در پایان بار دیگر لازم است، این معنی را یادآوری کرد که اعلام‌های زیادی از سوی افراد مختلف به عنوان رییس‌جمهور و یا این هیأت در زمینه نقض حقوق اساسی به رسمیت شناخته شده آن‌ها در قانون اساسی و اتخاذ تصمیمات و رویه‌هایی برخلاف اصول مسلم قانونی در دستگاه‌های مختلف و از جمله دستگاه قضایی صورت می‌گیرد و از رییس‌جمهور به عنوان مسؤول اجرای قانون اساسی و کسی که سوگند یاد کرده از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کند می‌خواهند رسیدگی نماید و از نقض قانون اساسی و یا عدم اجرای آن با تمهیدات لازم جلوگیری نماید.

انتظار می‌رود رؤسای محترم قوای سه‌گانه با هماهنگی و همدلی و عطف توجه کامل به لزوم اجرای صحیح قانون اساسی و عنداللزوم کسب رهنمود از مقام معظم رهبری در اجرای بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی خواسته‌های به حق مردم را مطابق قانون اساسی برآورده نمایند.

با احترام

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و رییس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی



## تبادل نامه بین رییس جمهور و رییس قوه قضاییه

بنام خدا

شماره ۸۰-۶۲۳۹

تاریخ ۱۳۸۰/۸/۱۶

آیة الله جناب آقای هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضاییه (دام عزه)

با سلام و احترام

گرچه در طول مدت خدمت و مسؤولیتم بارها به حکم وظیفه و نیز اختیار و مسؤولیتی که قانون اساسی بر عهده رییس جمهوری گذاشته، اقداماتی صورت گرفته است - از جمله در ارتباط با قوه محترم قضاییه قبل از تصدی جناب عالی و نیز دستگاه‌های دیگر در زمینه عدم اجرا و نقض قانون اساسی توضیح خواسته شده است و مسؤولان محترم ذی ربط با سعه صدر و با پذیرش اصل حق و تکلیف رییس جمهوری با آن مواجه شده‌اند، هر چند اگر نظری دیگر هم داشته‌اند آن را در پاسخ بیان کرده‌اند - اما انتظار این بود که با توجه به انصاف، حسن نظر و دید روشن جناب عالی، رییس جمهوری در انجام وظیفه خود با پشتیبانی و مساعدت بیشتر از سوی ریاست محترم قوه قضاییه روبرو شود که مع‌الاسف چنین نشد. پاسخی که به تذکر قانون اساسی رییس جمهوری داده شد به جای بحث در ورود یا عدم ورود تذکر، به مطالبی پرداخته بود که برای من تعجب‌آور بود.

الآن هم قصد دامن زدن به این مسأله را ندارم، هر چند فکر می‌کنم که پاسخ قوه محترم قضاییه به تذکر یاد شده ممکن است منشأ شبهات ناروایی شود که حتی تضعیف قانون اساسی را در پی داشته باشد. ولی مصلحت را در آن می‌دانم که پاسخ مبسوط به مطالب نامه شماره ۱/۸۰/۱۴۲۶۷ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۲ جناب عالی را صرفاً برای استحضار آن برادر بزرگوار و ثبت در اسنادی که قطعاً روزی مورد داوری قرار خواهد گرفت به حضورتان ارسال کنم.

مطمئن هستیم که با تفاهم و حسن نظر متقابل همه ابهام و مشکلات قابل رفع و حل خواهد بود و همکاری و همدلی همه قوا از جمله دو قوه قضاییه و اجرایی منشأ خدمت و خیر برای نظام و جامعه خواهد بود.

سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

رونوشت:

- حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد گلپایگانی  
رئیس محترم دفتر مقام رهبری، برای استحضار معظم له
- حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای کروبی، رئیس محترم مجلس شورای  
اسلامی، برای استحضار
- هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، برای اطلاع

### بسمه تعالی

شماره ۱/۶۴۹

تاریخ ۱۳۸۰/۸/۲۸

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی «دام عزه»

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

### با سلام و تحیت

دو نامه از جناب عالی در یک روز و به یک تاریخ: (۸۰/۸/۱۶) واصل شد. قبلاً نیز نامه دوم جناب عالی را ابتدا از رسانه‌های عمومی کشور و مصاحبه جناب عالی در مجلس و سپس از طریق دفتر جناب عالی دریافت کردم. لحن و سیاق و کیفیت این نامه‌ها با کلیه نامه‌های دیگر حضرت عالی فرق‌های زیادی در بر دارد که مایه شگفتی این جانب گردید. این جانب همان‌طوری که در نامه قبل عرض کردم ادامه این قبیل مکاتبات را صلاح نمی‌دانم زیرا هم خلاف مصلحت نظام است و هم مخالف شأن رؤسای محترم سه قوه به ویژه این‌که این دو نامه تکرار و شرح همان مطلب نامه اول جناب عالی است که خیال می‌کنم پاسخ علمی آن را داده‌ام. مطلب جدید این دو نامه یا مطالبی است که در برخی مطبوعات علیه قوه قضاییه آمده و یا برگرفته از گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس که برای خود اختیارات و وظایف فراقانونی و برخلاف قانون اساسی در رابطه با پرونده‌های قضایی قایل شده است می‌باشد، ضمیمه نامه هم نظریات شخصی یکی از اعضای هیأت نظارت و پیگیری اجرای قانون اساسی است که مکرر در مطبوعات پخش شده و مورد نقد و نقض برخی حقوقدانان و قضات قرار گرفته است.

در هر صورت همان‌طوری که در نامه قبل عرض کردم نه اصل ۸۶ دلالتی بر مصونیت نمایندگان مجلس دارد و نه این نظر را که برخلاف نظر قاطبه قضات دستگاه قضایی است می‌توان بر آنان تحمیل نمود. و نه نظارت بر حسن اجرای قانون اساسی برای رئیس‌جمهور از اصل ۱۱۳ استفاده می‌شود بلکه به مقتضای صریح قانون اساسی در اصل ۱۵۶ این حق برعهده قوه قضاییه نهاده و ریاست جمهوری در اصل ۱۱۳ تنها وظیفه اجرای قانون اساسی به معنای عدم معطل ماندن اصول آن را برعهده دارد و هیچ

مفسر حقوقی از واژه (اجرای قانون) نظارت بر حسن اجرا را که در بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظایف صریح قوه قضاییه شمرده شده استفاده نمی‌کند. بسیار جای تعجب است که برخی خواسته‌اند مفهوم نظارت را لازمه مسؤولیت اجرای قانون بدانند غافل از این‌که معمولاً در قوانین دستگاه نظارت کننده جدا از دستگاه اجرا کننده است و وظیفه نظارت بر حسن اجرا و عدم نقض ماهیتاً وظیفه‌ای قضایی است که در مقابل وظیفه اجرا قرار می‌گیرد و نه تنها لازمه آن نبوده بلکه با آن تقابل دارد.

و اما در رابطه با استناد به قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی که در نامه جناب‌عالی آمده است و در گذشته به آن پاسخ دادیم.

باید عرض کنم:

اولاً - این قانون عادی قبل از بازنگری تصویب شده است که قطعاً برخی از بندهای آن با تغییر اصل ۱۱۳ قانون اساسی در بازنگری لغو شده است که خود نیاز به بازنگری و اصلاح دارد که چه بسا در اصلاح این ماده نیز مشمول اصلاح گردد.

ثانیاً - آنچه در این بند آمده باز هم در حوزه مسؤولیت اجرایی قانون اساسی می‌باشد نه بیشتر، یعنی در این بند - در فرض قبول عدم تغییر آن - (حق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم) را جهت انجام مسؤولیت اجرای قانون اساسی به رییس‌جمهوری داده است که طبق آنچه در رابطه با معنای اجرای قانون عرض شد ارتباطی با نظارت بر حسن اجرای قانون و عدم نقض آن ندارد بلکه در چارچوب نظارت بر اجرا و پیاده شدن اصول قانون اساسی و معطل نماندن آن مفهوم پیدا می‌کند مثلاً چنانچه دستگاه قضایی اصل ۱۷۳ را که مربوط به تشکیل دیوان عدالت اداری است ایجاد نکرده، رییس‌جمهور مسؤول است در این رابطه به قوه قضاییه اخطار داده و اقدامات لازم جهت ایجاد این دیوان را آماده کند و این مطلبی است جدا از نظارت بر قضات دیوان عدالت و احکام آنان که آیا برخلاف قانون اساسی یا عادی حکمی صادر نموده‌اند یا خیر؟ که از آن تعبیر می‌شود به حسن اجرای قوانین و عدم تخلف از آنها زیرا ماهیت قضایی داشته و طبق اصل ۱۵۶ تنها در اختیار قوه قضاییه و دادگاههای

صالحه آن می باشد.

مسئله نظارت ریاست جمهوری بر زندان ها و یا پرونده های متهمین بند ۵۹ نیز که در نامه دیگر حضرت عالی آمده است مخالف اصول قانون اساسی و استقلال قضات است که در فقه و قانون اساسی برای استقلال تأکید شده است این جانب به هیچ وجه به خود اجازه نمی دهم برخلاف آن عمل کرده و شأن قضاوت را خدشه دار کنم. مگر این که شورای محترم نگهبان تفسیری ارایه نماید. و یا رهبری معظم انقلاب که نظارت عالی را بر نظام و قوای آن دارند فرمان دهند که در این صورت برای همه امثال آن واجب است. آنچه عرض شد در حوزه قوانین و مقررات است. بی شک در فضایی صمیمی و همدلانه می توان سریعتر به مقاصد و حل مشکلات رسید. در این ایام مبارک توفیقات روزافزون را برای آن جناب در خدمت به انقلاب اسلامی و مردم عزیزمان خواستارم.

والسلام و علیکم و رحمة...  
محمود هاشمی شاهرودی  
رییس قوه قضاییه

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۷۶۷۴

تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۱

حضرت آیه‌الله جناب آقای هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضاییه

با سلام

نامه شماره ۱/۶۴۹ مورخ ۱۳۸۰/۸/۲۸ جناب‌عالی را با تأسف فراوان از نحوه تلقی شما از اختیارات و مسؤولیت‌های رییس‌جمهوری و هدف از مکاتبات و تذکر قانونی دریافت کردم و مدت‌ها تردید داشتم که پاسخی هر چند کوتاه بر این نامه بنگارم یا از آن بی‌تفاوت بگذرم. به خصوص که لحن نامه طوری بود که به ظن قوی جناب‌عالی در آن دقت نفرموده بودید، والا با ادبی که در شما سراغ دارم حتماً آن را نمی‌پسندیدید. بنده هم شخصاً تمایلی به ادامه این مکاتبات بی‌حاصل ندارم و در شأن رییس‌جمهوری که به نص قانون اساسی بالاترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری است و اختصاصاً عنوان مسؤؤل اجرای قانون اساسی به او داده شده است نمی‌دانم که به تذکرات قانون اساسی‌اش بهایی داده نشود و به رد و بدل شدن اظهارات و استدلالات شکلی تکراری پرداخته شود و طبعاً بیش از دیگران نگران حفظ آرامش و مراعات مصلحت جامعه هستم ولی به حکم مسؤولیت سنگینی که طبق قانون اساسی در برابر خدا و ملت و وجدان خویش دارم، با توجه به روندی که در قوه قضاییه نسبت به حقوق انسانی مردم جریان دارد و گزارش‌های متعددی که به این‌جانب می‌رسد خاموش نشستن را جایز ندانستم و ترجیح دادم به اختصار به دو نکته زیر اشاره نمایم:

۱) در نامه اخیر، اظهارات سابق خود را (به اصطلاح خودتان در پاسخ علمی) در زمینه نحوه تلقی از اصل ۱۱۳ و بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی و استقلال قوه قضاییه و قضات و منسوخ بودن قانون حدود و وظایف و اختیارات رییس‌جمهوری، مصوب سال ۱۳۶۵ و مسأله نحوه برخورد با نمایندگان مجلس با توجه به اصل ۸۶ تکرار فرمودید که پاسخ مشروح و مستدل و حقوقی آن در ضمیمه نامه شماره ۶۲۳۹-۸۰/م مورخ